

## تغییر قدرت اقتصادی در افق ۲۰۲۶

در تحولی شگرف در نقشه اقتصادی جهانی، صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که سهم هند از رشد اقتصادی جهانی در سال ۲۰۲۶ از ایالات متحده فراتر خواهد رفت. این پیش‌بینی که به تازگی منتشر شده است، به وضوح نشان‌دهنده تغییرات بنیادین در محورهای قدرت اقتصادی است. هند، با سهمی ۱۷ درصدی از رشد جهانی تولید ناخالص داخلی، به جایگاه برتری در این عرصه دست یافته‌است، در حالی که ایالات متحده با سهم ۹.۹ درصدی در رتبه دوم قرار دارد. این داده‌ها که از سوی صندوق بین‌المللی پول منتشر شده، گواهی بر توانمندی‌های بی‌پایان اقتصاد هند در سال‌های اخیر است. در این میان، رشد هند عمدتاً متکی بر تقاضای داخلی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بخش تولید بوده و کمتر از دیگر کشورها به صادرات وابسته است. این تحول در واقع نشان‌دهنده پویایی بالای اقتصاد هند است که به نوعی به قلب رشد اقتصادی جهانی تبدیل شده است.

چین، که همچنان با ۲۶.۶ درصد سهم در جایگاه نخست قرار دارد، نقشی کلیدی در این روند ایفا می‌کند. به طوری که چین و هند به تنهایی ۴۳.۶ درصد از رشد جهانی را به خود اختصاص خواهند داد. این آماری است که تأکید می‌کند چگونه اقتصادهای آسیایی، به‌ویژه هند و چین، به محوری‌ترین بازیگران در عرصه جهانی تبدیل شده‌اند.

برای بسیاری از تحلیلگران اقتصادی، این داده‌ها نه تنها بیانگر رشد اقتصادی هند است، بلکه تأکیدی است بر تغییرات بنیادی در توازن قدرت جهانی. ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت تسلا و اسپیس‌ایکس، نیز به سرعت این اطلاعات را در شبکه‌های اجتماعی بازنشر کرد و بر تغییر توازن قدرت اشاره داشت. ماسک که در ماه‌های اخیر از بازار هند بازدید کرده و مذاکراتی با نخست‌وزیر این کشور، نارندرا مودی، درباره سرمایه‌گذاری واحداث کارخانه در هند داشته است، به وضوح به درک جدیدی از جایگاه اقتصادی هند دست یافته است.

نکته قابل توجه در پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول این است که در حالی که اقتصادهای پیشرفته به طور متوسط تنها ۱.۸ درصد رشد خواهند کرد، اقتصادهای نوظهور، از جمله هند، رشدی ۴.۲ درصدی را تجربه خواهند کرد. این تفاوت به وضوح بازتاب‌دهنده روندهای جدید در توسعه جهانی است. کشورهایی چون اندونزی، ترکیه، ویتنام و نیجریه که همگی به عنوان بازیگران نوظهور در عرصه جهانی شناخته می‌شوند، تأثیرات قابل توجهی بر روندهای اقتصادی آینده خواهند داشت.

در این بین، تأکید صندوق بین‌المللی پول بر رشد پایدار هند، که بیش از هر چیزی به تقاضای داخلی و رشد زیرساخت‌ها وابسته است، می‌تواند نویدبخش یک دوره جدید از تحولات اقتصادی در این کشور باشد. در نتیجه، هند به‌عنوان یکی از قدرتمندترین اقتصادهای نوظهور نه تنها در آسیای جنوبی، بلکه در سطح جهانی نیز در حال تحکیم جایگاه خود است.

این تغییرات نه تنها به نفع هند، بلکه به نفع بسیاری از کشورهای نوظهور دیگر است که به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های جدید اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های جهانی هستند. به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۲۶، هند نه تنها در عرصه اقتصادی، بلکه در سیاست‌های جهانی نیز به یکی از بازیگران اصلی تبدیل خواهد شد.

حمیدرضاعلی‌نیا

روزنامه نگار

## زمستان مینه‌سوتا خیابان‌ها را شعله‌ور کرد

آنچه با عملیات فدرال علیه مهاجران در آمریکا آغاز شد، ظرف مدت کوتاهی به بحرانی ملی تبدیل شد و خیابان‌ها را به میدان اعتراض تبدیل کرد



باخت، پرتی، که او نیز شهروند ایالات متحده بود، پس از کشته شدن گود به جمع معترضان پیوسته بود. شواهد ویدئویی نشان می‌داد او با تلفن همراه خود از مأموران فیلم می‌گرفت و سپس برای کمک به زنی پیش رفت که به تازگی هل داده شده بود. پس از پاشیده شدن اسپری شیمیایی و افتادن پرتی روی زمین، مأموران فریاد «اسلحه» سر دادند؛ اشاره‌ای به سلاحی که او مجوز قانونی حملش را داشت و در غلاف کمری، بدون استفاده، باقی مانده بود. با وجود این، پرتی در حالی چندین بار هدف گلوله قرار گرفت که روی زمین خوابانده شده و هیچ حرکتی به سمت سلاحش نداشت. «کریستی نوم»، وزیر امنیت داخلی، مدعی شد او سلاح را «در دست تکان داده» و همان برجسب «تروریست داخلی» را تکرار کرد؛ ادعایی که آشکارا با تصاویر موجود همخوانی نداشت.

هزینه انسانی این دو واقعه ویرانگر، فراتر از آمار و بیانیه‌ها بود. «می‌کایلا»، خواهر پرتی، او را انسانی توصیف کرد که «هر اتاقی را روشن می‌کرد» و در آخرین لحظات تنها قصد کمک داشت. یکی از بیماران سابقش نیز از پرستاری «دلسوز و خوش‌قلب» گفت که مرگ گود عمیقاً بر او اثر گذاشته بود. برای خانواده‌ها و شمار فزاینده‌ای از ناظران، زبان دولت درباره قربانیان، زخمی تازه بود که بر پیکر این تراژدی افزوده می‌شد.

#### از اعتصاب تا تعطیلی ملی

در واکنش به کشته شدن رنه گود و تداوم موج عملیات فدرال، ائتلافی کم‌سابقه از اتحادیه‌های کارگری مینه‌سوتا، رهبران مذهبی و شبکه‌های سازمان‌دهی مردمی شکل گرفت؛ ائتلافی که مطالبه‌ای رادیکال و تاریخی را روی میز گذاشت: اعتصاب عمومی در سطح ایالت. ۲۳ ژانویه، در سرمای زیر صفر، ده‌ها هزار نفر با عنوان «روز حقیقت و آزادی» مرکز شهر مینیاپولیس را پر کردند. خیابان‌ها مملو از جمعیتی بود که نه فقط علیه یک عملیات مهاجرتی، بلکه علیه آنچه «فروپاشی اعتماد عمومی» می‌نامیدند، شعار می‌دادند. صداها کسب‌وکار کوچک در همبستگی با معترضان کرکره‌ها را پایین کشیدند؛ رخدادی که به‌عنوان نخستین اعتصاب عمومی در آمریکا طی بیش از هشت دهه ثبت شد. اهمیت این اعتصاب تنها در گسترش آن نبود، بلکه در نمادپردازی حساب‌شده‌اش ریشه داشت. بیش از صد روحانی از ادیان مختلف، در جریان یک مراسم دعاخوانی اعتراضی در فرودگاه بین‌المللی مینیاپولیس–سنت پل بازداشت شدند. این صحنه، پیام روشنی

اعتماد عمومی توصیف کرد. به این ترتیب، تقابل میان واشنگتن و مینه‌سوتا از همان روزهای نخست شکل گرفت؛ تقابلی که نه فقط حقوقی، بلکه عمیقاً سیاسی و اجتماعی بود.

با گذشت هفته‌ها، گزارش‌ها از بازداشت‌های خشن، ورود مأموران به محل کار و حتی اطراف مدارس، بر التهاب فضا افزود. روایت «عملیات هدفمند» در برابر تجربه زیسته ساکنان رنگ باخت و ترس جای آن را گرفت. در همین بستر، شبکه‌ای از سازمان‌های مردمی که بسیاری از آن‌ها پس از قتل جرج فلوید در سال‌های قبل شکل گرفته بودند، دوباره فعال شدند. این گروه‌ها آموزش ناظران حقوقی، ثبت ویدئویی عملیات‌ها و بسیج محله‌ها را در دستور کار قرار دادند و خود را برای رویارویی‌ای طولانی آماده کردند.

آنچه آغازش یک برنامه اجرایی فدرال بود، به‌تدریج به صحنه‌ای آماده برای برخوردی پرهزینه بدل شد؛ صحنه‌ای که در آن، قدرت دولتی، حافظه جمعی خشونت پلیس و جامعه‌ای نگران از آینده، در مسیری خطرناک به هم نزدیک می‌شدند.

#### رمزگشایی از مرگ

در ۷ ژانویه ۲۰۲۶، بحران مینه‌سوتا نخستین چهره انسانی خود را به شکلی عریان نشان داد. «رنه نیکول مکلین گود»، شهروند ۳۷ ساله آمریکایی و مادر سه فرزند، در مینیاپولیس با شلیک گلوله یک مأمور اداره مهاجرت و گمرک به نام «جاناتان راس» کشته شد. گود مدتی بود فعالیت مأموران فدرال را در محله خود زیر نظر داشت. ویدئوهای منتشرشده از حادثه، که بارها و از زوایای مختلف بازبینی شدند، نشان می‌داد خودروی او در حال فاصله گرفتن از مأموران بود که تیراندازی رخ داد. با این حال، مقامات فدرال بلافاصله مدعی شدند او قصد زیر گرفتن مأمور را داشته و در اقدامی کم‌سابقه، گود را «تروریست داخلی» خواندند. جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور، نیز ابتدا از «صونیت مطلق» مأمور سخن گفت؛ موضعی که پس از موج انتقادات، ناچار به تعدیل آن شد. برای بسیاری از ساکنان مینه‌سوتا، شکاف میان تصاویر و روایت رسمی دولت، احساس خشم، ترس و بی‌عدالتی را به‌طور هم‌زمان برانگیخت.

تنها هفده روز بعد، در ۲۴ ژانویه، دومین مرگ، این بحران را به مرز انفجار رساند. «الکس جفری پرتی»، پرستار ۳۷ ساله بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان پزشکی VA مینیاپولیس، در جریان یک اعتراض خیابانی با شلیک مأموران گمرک و حفاظت مرزی آمریکا جان

### متمم اول در میدان مناقشه

فراتر رفته است. هم‌زمان، آغاز تحقیق حقوق مدنی درباره یک تیراندازی مرگبار، هر چند روزنه‌ای محدود از پاسخگویی گشود، اما وضعیت استثنایی حاکم را نیز برجسته ساخت. این تحولات، بحران مینه‌سوتا را از سطح اعتراضات خیابانی به پرسشی بنیادین ارتقا داد: مرز قدرت دولت کجاست و چه کسی حق روایت عدالت را در فضای عمومی آمریکا در اختیار دارد و اعتماد عمومی میان ترس و تردید معلق مانده است

زمستان مینه‌سوتا یخ‌زده است، اما خیابان‌های می‌سوزد. آنچه با یک عملیات فدرال برای کنترل مهاجرت آغاز شد، در چند هفته به بحرانی ملی انجامید؛ بحرانی از اعتراض، تقابل سیاسی و دومرگ که افکار عمومی آمریکا را تکان داد. این روایت، صرفاً سیاست‌گذاری نیست، سرگذشت مردمی است که ناگهان در خط آتش قرار گرفتند؛ مادری در مسیر مدرسه، پرستاری میان جمعیت معترضان، کسب‌وکارهای کوچکی که از ترس، درها را می‌بندند. مینه‌سوتا اکنون کانون جدال تازه‌ای است بر سر مهاجرت، حدود قدرت فدرال و معنای عدالت؛ جدالی که خیابان را به دادگاه افکار عمومی بدل کرده و شکاف یک ملت دوباره را عیان ساخته است، بی‌هیچ نشانه‌ای از پایان.

#### جرقه و موج عملیات

جرقه جنبشی که به‌سرعت از مرزهای مینه‌سوتا عبور کرد، نه در خیابان که در یک تصمیم‌گذاری فدرال زده شد. دسامبر ۲۰۲۵، دولت ترامپ «عملیات مترو سرج» را در منطقه مینیاپولیس–سنت پل کلید زد؛ طرحی که وزارت امنیت داخلی آن را اقدامی «هدفمند» برای شناسایی و بازداشت افرادی با حکم اخراج معرفی کرد. در روایت رسمی واشنگتن، این عملیات بخشی از راهبردی ملی برای مقابله سخت‌گیرانه با مهاجرت غیرقانونی و پاک‌سازی شهرها از «مجرمان خطرناک» بود. اما آنچه روی زمین رخ داد، فاصله‌ای معنادار با این تصویر ادعایی داشت. در فاصله‌ای کوتاه، هزاران مأمور اداره مهاجرت و گمرک (ICE) و گمرک و حفاظت مرزی (CBP) به مینه‌سوتا اعزام شدند؛ حضوری کم‌سابقه که تا اواخر ژانویه شمار نیروهای فدرال را فقط در مینیاپولیس به حدود سه هزار نفر رساند. خودروهای زرهی، تجهیزات ضدشورش و عملیات‌های ناگهانی در محله‌های مهاجرنشین، به‌سرعت فضای شهر را تغییر داد. مقامات فدرال، از جمله جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور، این نمایش قدرت را لازمه اجرای قانون فدرال دانستند و تأکید کردند که بدون چنین فشاری، مقابله با شبکه‌های جرم و مهاجرت غیرقانونی ممکن نیست.

اما واکنش در سطح ایالتی و محلی کاملاً متفاوت بود. جیکوب فری، شهردار مینیاپولیس، با صدور دستوری استفاده ICE از ساختمان‌ها و امکانات شهری را محدود کرد و به‌صراحت اعلام کرد که شهر حاضر نیست به پایگاه لجستیکی عملیات فدرال تبدیل شود. تیم‌والز، فرماندار مینه‌سوتا، نیز پا را فراتر گذاشت و این استقرار را «تجاوز فدرال» به اختیارات ایالتی و تهدیدی مستقیم علیه